

گزارش «وطن امروز» از جدید ترین تحولات محاصره دریایی عربستان توسط یمن

آتش بر نفت سعودی

۲ نفتکش متعلق به عربستان سعودی در باب‌المندب به آتش کشیده شد



نه‌تنها مواضع خود را حفظ کرده‌اند، بلکه استحکامات نظامی خود را نیز توسعه داده‌اند.

اهمیت کمران تنها به موقعیت جغرافیایی آن محدود نمی‌شود. این جزیره بر مسیر اصلی تردد کشتی‌ها در دریای سرخ اشراق دارد و وجود فانوس دریایی در جنوبی‌ترین نقطه آن، امکان رصد دقیق ترافیک دریایی را فراهم می‌کند.

از سوی دیگر، این جزیره به عنوان کمر بند دفاعی بندر «صلیف» و سواحل خدیده نیز شناخته می‌شود و ارتش یمن از سال‌ها پیش، از آن به عنوان یکی از مراکز نظامی و امنیتی خود استفاده می‌کند؛ موضوعی که به گفته ناظران، دلیل اصلی تمرکز حملات آمریکا به این منطقه در سال گذشته بود. العربیه در ادامه گزارش خود مدعی شد تحرکات نظامی در جزیره کمران بخشی از برنامه گسترده‌تر دولت صنعا برای تغییر شیوه اعمال فشار در دریای سرخ است؛ راهبردی که علاوه بر حملات موشکی و پهپادی، بر ایجاد حضور مستقیم و میدانی در مناطق مشرف به باب‌المندب نیز تکیه دارد

■ **طرح جدید دریایی انصارالله**

پایگاه اطلاعاتی «شبیبا اینتلیجنس» نیز از آغاز مرحله نخست یک طرح عملیاتی جدید توسط انصارالله یمن در دریای سرخ خبر داد.

بر اساس این گزارش، نیروهای صنعا ۳ شناور انفجاری بدون سرنشین، تجهیزات دریایی زیرسطحی و سامانه‌های انفجاری دریایی را به منطقه ساحلی «مَیْقَه» منتقل کرده‌اند. این پایگاه اطلاعاتی اعلام کرد هم‌زمان یگان‌هایی از نیروهای موشکی نیز به مناطق نزدیک مرز عربستان منتقل شده‌اند. همچنین فرماندهان نیروهای دریایی، گارد ساحلی و منطقه نظامی پنجم ارتش یمن از طرف صنعا مأمور شده‌اند زیرساخت‌های لجستیکی، سکوهای پرتاب و پشتیبانی عملیاتی را برای اجرای عملیات‌های گسترده‌تر دریایی فراهم کنند.

■ **هشدارها وارد مرحله عملی شد**

در حالی که ریاض همچنان بر مواضع خود پافشاری

گروه بین الملل: اعلام محاصره عربستان از سوی یمن حالا کار سعودی‌ها را به جایی رسانده که ریاض دست به دامان رهبران عمان شده تا مسقط برای کوتاه آمدن یمنی‌ها از مواضع خود میانجی‌گری کند. منابع عرب گزارش دادند پس از حمله تلافی‌جویانه نیروهای دولت صنعا به ۲ نفتکش رژیم سعودی در دریای سرخ، هیاتی از ریاض راهی مسقط شد و با مقام‌های عمان درباره راه‌های کاهش تنش با صنعا گفت‌وگو کرد. هدف اصلی این سفر، ترغیب عمان به ایفای نقش میانجی میان ۲ طرف عنوان شده است؛ هرچند این تلاش‌ها تاکنون به توافقی منجر نشده، اما منابع نزدیک به دولت صنعا از پیشرفت‌هایی در روند مذاکرات خبر می‌دهند. به گزارش «وطن امروز»، عضو دفتر سیاسی جنبش انصارالله یمن با اشاره به شکست تلاش‌های میانجی‌گرانه، اعلام کرد پافشاری عربستان بر مواضع خود، این کشور را به سرنوشتی خواهد رساند که به گفته وی «فرعون نیز به آن دچار شد».

«محمد الفرح» تأکید کرد عربستان زمانی از سیاست‌های خود پشیمان خواهد شد که دیگر فرصتی برای جبران وجود نخواهد داشت و آنچه امروز در منطقه در حال وقوع است، نشانه‌های افول رژیمی است که سال‌ها به ملت‌های منطقه آسیب رساند.

■ **اختلاف بر سر فرودگاه صنعا**

منابع عرب علت اصلی بن‌بست مذاکرات عمان را اصرار عربستان بر حفظ محدودیت‌های اعمال‌شده بر فرودگاه بین‌المللی صنعا عنوان می‌کنند.

به گفته این منابع، دولت صنعا خواهان بازگشایی کامل فرودگاه و لغو تمام محدودیت‌های پرواز است، اما ریاض همچنان بر ادامه محدودیت‌ها اصرار دارد؛ موضوعی که به‌مهم‌ترین مانع دستیابی به توافق میان ۲ طرف تبدیل شده است.

هم‌زمان اظهارات اخیر رئیس‌جمهور تروریزست آمریکا درباره احتمال انجام عملیات نظامی علیه یمن نیز با واکنش شدید مقام‌های صنعا روبه‌رو شد. «عبدالواحد ابوراس» معاون وزارت خارجه دولت صنعا هشدار داد اگر آمریکا بخواهد تجربه نظامی گذشته خود را در یمن تکرار کند، نیروهای مسلح یمن برای پاسخ به هر گونه حمله کاملاً آماده‌اند.

■ **تحرکات میدانی برای کنترل کامل باب‌المندب**

در کنار تحولات سیاسی، گزارش‌ها از تشدید تحرکات نظامی نیروهای دولت صنعا در دریای سرخ حکایت دارد. شبکه العربیه، رسانه حکومت سعودی، در گزارش‌های اعلام کرد نیروهای وابسته به صنعا در تلاشند حضور خود را در جزیره «مبون» افزایش دهند؛ جزیره‌ای که در ورودی تنگه راهبردی باب‌المندب قرار گرفته و اشراق مستقیم بر مسیر عبور کشتی‌های بین‌المللی دارد.

بر اساس این گزارش، هدف این تحرکات، دستیابی به مواضعی است که امکان نظارت و کنترل گسترده بر یکی از مهم‌ترین آبراه‌های جهان را فراهم کند؛ گذرگاهی که ۱۲ درصد تجارت دریایی جهان از آن عبور می‌کند.

هم‌زمان وب‌سایت «جیوز یمن» نیز گزارش داد نیروهای صنعا روند انتقال تجهیزات و استقرار نیروهای خود در جزیره «کمران» را تکمیل کرده و این جزیره را به یک پایگاه پیشرفته نظامی تبدیل کرده‌اند.

جزیره کمران که در غرب سواحل یمن واقع شده، یکی از مهم‌ترین نقاط راهبردی دریای سرخ به شمار می‌رود. این جزیره اردیبهشت سال گذشته بارها هدف حملات هوایی آمریکا قرار گرفت، اما گزارش‌ها نشان می‌دهد نیروهای یمنی

گروه بین‌الملل: یکی از شناخته‌شده‌ترین ویژگی‌های رئیس‌تروریزست دولت آمریکا در عرصه سیاست خارجی، تغییرات ناگهانی و چرخش‌های مکرر در مواضع او است؛ رفتاری که نه‌تنها در قبال ایران، بلکه در بسیاری از پرونده‌های مهم بین‌المللی دیگر نیز بارها تکرار شده است. مرور مواضع دونالد ترامپ نشان می‌دهد او در فاصله‌ای کوتاه، بارها از تهدید به اقدام نظامی، اعمال فشار حداکثری یا اتخاذ مواضع سختگیرانه سخن گفته، اما اندکی بعد همان مواضع را تعدیل کرده، تغییر داده یا حتی کنار گذاشته است. همین الگوی رفتاری باعث شده بسیاری از تحلیلگران، سیاست خارجی ترامپ را بیش از آنکه مبتنی بر یک راهبرد مشخص بدانند، تابع تصمیم‌های لحظه‌ای و واکنش‌های احساسی او ارزیابی کنند. به گزارش «وطن امروز»، باب وودوارد، روزنامه‌نگار سرشناس آمریکایی، در کتاب «ترس، ترامپ در کاخ سفید» که سال ۲۰۱۸ منتشر شد،

وی را چنین توصیف می‌کند: «رهبری از نظر احساسی آشفته، دمدمی مزاج و غیرقابل پیش‌بینی». از سوی دیگر جان بولتون، مشاور پیشین امنیت ملی ترامپ نیز در کتاب «تاقی که همه چیز در آن رخ داد؛ خاطراتی از کاخ سفید» بارها تأکید می‌کند تصمیم‌های ترامپ نه بر اساس یک راهبرد منسجم، بلکه بر پایه خلق‌و‌خو، منافع لحظه‌ای و تغییرات ناگهانی اتخاذ می‌شود. این ویژگی شخصیتی، طی ۶ ماه گذشته هم‌زمان با تشدید تنش‌ها میان واشنگتن و تهران، بیش از هر زمان دیگری خود را نشان داده است. ترامپ در این مدت بارها از «حمله نظامی نابودکننده»، «از بین بردن کامل توان نظامی ایران»،

می‌کند، نشانه‌ها حاکی از آن است صنعا در اجرای محاصره دریایی عربستان جدی است.

خبرگزاری رویترز اخیراً گزارش داد ۲ نفتکش حامل نفت عربستان در شمال دریای سرخ دچار آتش‌سوزی شدند؛ نفتکش‌هایی که نخستین شناورهای آسیب‌دیده در چارچوب محاصره دریایی اعلام‌شده از سوی یمن به شمار می‌روند. بر اساس این گزارش، ادامه این وضعیت می‌تواند صادرات انرژی عربستان از مسیر دریای سرخ را با اختلال جدی روبه‌رو کرده و تنش‌های منطقه‌ای را بیش از پیش افزایش دهد.

هم‌زمان، سرلشکر یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن هشدار داد اگر عربستان به نقش‌آفرینی نظامی خود ادامه دهد، عمق خاک این کشور هدف عملیات‌های گسترده یمن قرار خواهد گرفت.

■ **باب‌المندب به طور کامل بسته است؟**

با وجود گمانه‌زنی‌ها درباره بسته شدن کامل باب‌المندب، مقام‌های دولت صنعا این موضوع را رد کردند.

رئیس هیات مذاکره‌کننده یمن اعلام کرد خبر بسته شدن کامل تنگه صحت ندارد و آنچه در حال اجراست، صرفاً محاصره دریایی علیه سعودی است.

«محمد عبدالسلام» تأکید کرد این اقدام در واکنش به ۱۱ سال محاصره یمن انجام شده و تا زمانی که ریاض به این محاصره پایان ندهد و حقوق مردم یمن را به رسمیت نشناسد، ادامه خواهد یافت.

■ **حلقه محاصره عربستان تنگ‌تر می‌شود؟**

منابع یمنی معتقدند مرحله کنونی محاصره تنها آغاز راهبرد جدید صنعا است. گزارش‌ها حاکی است که کنترل مسیرهای دریایی منتهی به بنادر جده و یمنع موجب اختلال در زنجیره تأمین انرژی عربستان شده و احتمال اقدامات شدیدتر نیز وجود دارد.

در همین ارتباط عضو دفتر سیاسی انصارالله، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: تصور عربستان مبنی بر اینکه می‌تواند

نگاهی به سرنوشت ادعاهای تهدید آمیز ترامپ علیه ایران

تهدیدات یک دمدمی مزاج!

■ **عبور از «خط قرمز» اعلام‌شده!**

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های تناقض میان تهدیدها و عملکرد ترامپ، به هلاکت نظامیان آمریکایی بازمی‌گردد. وی پیش از حمله موشکی ایران به پایگاه آمریکا در اردن، بارها اعلام کرده

بود جان نظامیان آمریکایی «خط قرمز» او است. صریح‌ترین موضع او زمانی مطرح شد که در جریان آتش‌بس کوتاه میان ایران و آمریکا، خبرنگار فاکس نیوز از وی پرسید آیا کشته شدن نیروهای آمریکایی خط قرمز او محسوب می‌شود؟ ترامپ در پاسخ گفت: «اگر آنها نیروهای آمریکایی را بکشند، بله؛ خیلی سریع پاسخی جهنمی خواهیم داد». اما پس از حمله موشکی ایران به پایگاه آمریکا در اردن و کشته شدن نظامیان آمریکایی، رویکرد رئیس‌جمهور آمریکا تفاوت محسوسی با تهدیدهای قبلی‌اش داشت. رسانه‌های آمریکا گزارش دادند ترامپ به جای تمرکز بر کشته شدن نظامیان آمریکایی، تلاش کرد تلفات جنگ با ایران را با جنگ‌های ویتنام، کره، عراق و افغانستان مقایسه کند و مدعی شود تعداد کشته‌های این جنگ بسیار کمتر از جنگ‌های گذشته بوده است. شبکه تلویزیونی ای.بی.سی آمریکا نیز مقایسه تلفات جنگ با ایران با تلفات ارتش آمریکا در جنگ‌های پیشین از سوی ترامپ را تلاشی برای کم‌اهمیت جلوه دادن افزایش تلفات آمریکا در جنگ با ایران توصیف کرد. وی همچنین در گفت‌وگو با روزنامه نیویورک‌پست، کشته شدن نظامیان آمریکایی در اردن را صرفاً «مایه تأسف» خواند؛ موضعی که با تهدیدهای پیشین او درباره «خط قرمز بودن جان نظامیان تروریزست آمریکایی» تفاوت آشکاری داشت. در همین زمینه روزنامه صهیونی جروزالم پست نیز نوشت نحوه واکنش ترامپ به حادثه اردن با اظهارات قبلی

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

سالنامه وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

شنبه ۳ مرداد ۱۴۰۵
وطن‌امروز | شماره ۴۶۶۹

جهان

یادداشت

وقتی بحران اقلیمی، ویت‌رین توسعه اروپا را در معرض قضاوت قرار می‌دهد

اروپای تب‌دار

سسال‌ها یک روایت فراگیر از سوی جریان‌های اصلاح‌طلب و شیفتگان نسخه‌های غربی توسعه به جامعه‌ایرانی‌تحمیل‌می‌شد: ما چون «توسعه‌نیافته»

هستیم، از حل مسائل ابتدایی زندگی مردم ناتوانیم؛ اگر شبیه اروپا شویم، اگر مناسبات و ساختارهای‌مان را به الگوی کشورهای مدعی توسعه نزدیک کنیم، مسائل یکی‌یکی حل خواهد شد. ریشه هر ناکارآمدی در ایران، تنها در «عقب‌ماندگی» ما از مدل توسعه غربی است. البته این روایت اغلب با نوعی تحقیر همراه بوده؛ تحقیر مردمی که باید هر روز بشنوند مشکل از «فرهنگ»، «سبک حکمرانی»، «عقب‌ماندگی تاریخی» و «فهمیدن توسعه» است. گویی در آن سوی دنیا دولت‌هایی نشسته‌اند که ماشین حل مساله‌اند؛ در بزنگاه‌های بحران- چیز دیگری را فریاد می‌زند. امروز اروپا، همان قاره‌ای که سال‌ها به‌عنوان ویت‌رین توسعه معرفی می‌شد، در برابر یکی از ابتدایی‌ترین مسائل زندگی انسان، یعنی «حفاظت از جان مردم در برابر گرما» دچار ناکارآمدی جدی شده است. برآوردهای منتشرشده از موج گرمای اخیر در اروپا نشان می‌دهد این رخداد، بر یک بازه زمانی کوتاه، هزاران قربانی برجا گذاشته است. بر پایه برخی برآوردهای پژوهشی، فقط در یک هفته، شمار مرگ‌های منسوب به موج گرما در اروپا ممکن است از ۱۰ هزار نفر هم فراتر رفته باشد و در برخی مدل‌ها، رقم کل به ۲۰ هزار نفر نزدیک شده است. در این میان، بنا بر داده‌های منتشرشده، بیش از ۹ هزار مورد مرگ در میان افراد ۶۵ سال به بالا بوده است؛ یعنی همان گروهی که بیش از همه نیازمند سازوکارهای حمایتی هشداردهنده‌اند. بی‌شک این عده‌ها از یک واقعیت مهم پرده برمی‌دارد: در قلب کشورهای مدعی توسعه، گرما به بحرانی برگبار تبدیل شده و ساختارهای موجود نتوانسته از مردم، بویژه سالمندان و گروه‌های آسیب‌پذیر، محافظت کند. فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، آلمان و انگلیس از جمله کشورهایی هستند که بیشترین آسیب را دیده‌اند. در برخی گزارش‌ها، فرانسه و بلژیک در هفته اوج گرما، «مرگومیر بسیار بالا» ثبت کرده‌اند و در انگلیس و ولز نیز یک مطالعه جداگانه از مرگ هزاران نفر در ارتباط با گرما خبر می‌دهد. این مساله گواه خوبی از یک ضعف ساختاری است. اینجاست که باید به تعریف توسعه برگردیم. اگر بخواهیم با معیار محمد فاضلی – که به تلقی رایج توسعه‌خواهان هم نزدیک است – سخن بگوییم، توسعه یعنی «حل مساله با همکاری». بسیاری خب! حالا باید پرسید این «عول‌های توسعه» در حل این مساله چه کرده‌اند؟ اگر توسعه یعنی توان جمعی برای پیش‌بینی بحران، بسیج نهاده‌ا، حفاظت از جان مردم و کاهش تلفات، پس این حجم از مرگ‌ومیر در اروپا را چگونه باید توضیح داد؟ باید توجه داشت مساله فقط دشواری مدیریت یک بحران قابل پیش‌بینی نیست. موج‌های گرمای شدید امروز با تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت‌های انسانی پیوند دارد؛ بحرانی که اقتصادهای صنعتی به دلیل سهم تاریخی خود در مصرف سوخت‌های فسیلی و انتشار گازهای گلخانه‌ای در شکل‌گیری آن نقش مهمی داشته و دارند.

البته کشورهای اروپا در سال‌های اخیر در برخی حوزه‌ها، از توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر تا وضع استانداردهای زیست‌محیطی، اقداماتی جدی انجام داده‌اند و رواج کمتر وسایل سرمایشی در بعضی مناطق نیز تا حدی با ملاحظت‌انرژی و زیست‌محیطی مرتبط بوده است. با این حال موج گرمای اخیر نشان داد کاهش مصرف انرژی، بدون سازگار کردن ساختمان‌ها، مراکز درمانی، نظام مراقبت از سالمندان و فضا‌های عمومی با اقلیم گرم‌تر، ممکن است خود به افزایش آسیب‌پذیری بینجامد. مساله اصلی نه بی‌توجهی مطلق اروپا به محیط زیست، بلکه فاصله میان سیاست‌های کاهش انتشار و آمادگی عملی برای حفاظت از مردم در برابر پیامدهای تغییرات اقلیمی است. تناقض ماجرا این است که جوامعی که سال‌ها به‌عنوان الگوی برنامهریزی، رفاه و حل مساله معرفی شده‌اند، اکنون در سازگار کردن زیرساخت‌های خود با خطری شناخته‌شده و رو به افزایش، با دشواری جدی مواجهند. تعطیلی مدارس، اختلال در شبکه برق و حمل‌ونقل، فشار بر سیستم درمانی و آسیب دیدن سالمندان و بیماران نشان می‌دهد برخورداری از شاخص‌های بالای توسعه، به خودی خود مصونیت در برابر بحران ایجاد نمی‌کند. در این اثنا باید از این دوگانه‌سازی ساده‌لوحانه عبور کرد؛ از این تصور که جهان به ۲ بخش «توسعه‌یافته حل‌کننده همه مسائل» و «توسعه‌نیافته ناتوان از حل هر مساله» تقسیم می‌شود. واقعیت آن است که توسعه، اگر به معنای واقعی کلمه حل مساله با همکاری باشد، یک آزمون دائم است و اروپا در این آزمون، دست‌کم در مساله گرما و حفاظت از جان شهروندان، نمره درخشانی نگرفته است. نکته مهم‌تر برای ما این است که نباید اجازه دهیم مفهوم توسعه به ابزار تحقیر ملت‌ها تبدیل شود. واژه «توسعه» نه یک ژست روشنفکرانه، نه یک برچسب طبقاتی و نه یک چکان سیاسی برای کوپیدن بر سر مردم است، بلکه «توسعه» باید در عمل سنجیده‌شود: در توان یک جامعه برای حفظ کرامت انسان، تأمین امنیت زیستی، کاهش آسیب‌پذیری و مواجهه مؤثر با بحران‌ها. اگر جامعه‌ای در برابر یک موج گرما که از سال‌ها قبل درباره‌اش هشدار داده شده، نمی‌تواند از جان سالمندان خود محافظت کند، باید در ادعای توسعه‌اش تردید کرد. این در حالی است که کشورهای غرب سال‌ها از «توسعه» تصویری اسطوره‌ای ساخته‌اند اما موج‌های گرما، کرونا، بحران انرژی، شکاف‌های اجتماعی و فرسایش زیرساخت‌ها، نشان داد آن اسطوره، بسیار شکننده‌تر از چیزی است که تبلیغ می‌شد. حالا وقت آن است که با صدای بلند گفته شود: «توسعه واقعی» توان حل مساله است و هر جا مردم در برابر مسائل ابتدایی بی‌پناه بمانند، باید در ادعای توسعه آن تردید کرد، حتی اگر آنجا پاریس یا برلین باشد!